گزارش خبری

چالش کشورها برای محدودکردن دسترسی کودکان به فضای مجازی؛ استرالیا گام بعدی را برداشت

بسیاری از کشورها در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند به‌منظور جلوگیری از آسیب‌ها با اعمال قوانینی، دسترسی کودکان به فضای مجازی را محدود کنند؛ هرچند برخی از آنها در این زمینه موفق نبوده‌اند. اما به نظر می‌رسد استرالیا مصمم است ممنوعیت‌هایی را برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال اعمال کند. نخست‌وزیر استرالیا به‌تازگی اعلام کرده است دولتش قصد دارد دسترسی به شبکه‌های اجتماعی را برای همه افراد زیر ۱۶ سال ممنوع کند.

«آنتونی آلبانیزی»، نخست‌وزیر استرالیا، گفت لایحه‌ای در ماه جاری به پارلمان ارائه خواهد شد. این محدودیت سنی یک سال پس از تصویب این لایحه اعمال خواهد شد. آلبانیزی گفت: رسانه‌های اجتماعی آسیب‌های اجتماعی به جوانان استرالیایی ما وارد می‌کنند. من به این شرایط پایان می‌دهم؛ چراکه ایمنی و سلامت روان جوانان ما باید در اولویت باشد.

این لایحه، مسئولیت را برعهده پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی می‌گذارد و نه بر کودکان و والدین. این امر می‌تواند اینستاگرام، تیک‌تاک و ایکس را هدف قرار دهد.

به گزارش «ان‌اچ‌کی»، این پلتفرم‌ها در صورت عدم اجرای اقداماتی برای جلوگیری از بازکردن حساب کاربری توسط کودکان، ممکن است با مجازات‌هایی روبه‌رو شوند. یوتیوب و سایر پلتفرم‌هایی که نیازی به بازکردن حساب ندارند، ممکن است مستثنا شوند. یک نظرسنجی که به‌تازگی در استرالیا انجام شد، نشان می‌دهد حدود ۶۰ درصد مردم از ممنوعیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای افراد زیر سن قانونی حمایت می‌کنند. اما برخی می‌گویند ممکن است چالش‌های فنی مانند چگونگی تأیید سن کاربر در این زمینه وجود داشته باشد. علاوه‌بر اعلام اخیر استرالیا مبنی‌بر آماده‌کردن لایحه‌ای با هدف اعمال محدودیت‌های سنی برای استفاده از پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی، کشورهای دیگری نیز اقداماتی در این زمینه انجام داده‌اند. ساعات طولانی سپری‌کردن در مقابل نمایشگرها توسط بخش بزرگی از مردم جهان به‌ویژه کودکان و جوانان، نگرانی‌هایی را در مورد مشکلات و خطراتی از جمله قلدری دیجیتال، اطلاعات نادرست، سخنان نفرت‌انگیز، محتوای ناپسند، نقض حریم خصوصی، کلاهبرداری و امنیت سایبری ایجاد کرده است. این نگرانی‌ها کشورهای مختلف را به اعمال مقررات، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها بر گوشی‌های هوشمند و پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی سوق داده است. در اروپا، بسیاری از سیاستمداران پیشنهاد کرده‌اند مقررات سنی برای استفاده از رسانه‌های اجتماعی را به ۱۵ یا ۱۶ سال محدود کنند، با این استدلال که پلتفرم‌ها به‌درستی محدودیت برای ۱۳ساله‌ها را که خودشان تعیین کرده‌اند، اجرا نمی‌کنند. براساس داده‌های «دیتاریپورتال» در جولای ۲۰۲۴، نزدیک به ۵.۵ میلیارد نفر یا ۶۷ درصد از جمعیت جهان از اینترنت و ۷۰ درصد از تلفن همراه استفاده می‌کنند.

به طور متوسط، کاربران اینترنت در سراسر جهان روزانه ۶.۵ ساعت را آنلاین می‌گذرانند. به‌تازگی در ایالات متحده دادستان‌های کل از ۴۲ ایالت از کنگره خواستند پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی را ملزم کنند تا هشدارهایی درباره تأثیر آنها بر سلامت روان کودکان درج کنند. همچنین در ایتالیا، طوماری برای ممنوعیت استفاده کودکان از تلفن‌های هوشمند و داشتن حساب‌های رسانه‌های اجتماعی بحث‌هایی را برانگیخت. در هلند نیز پس از ممنوعیت در مدارس راهنمایی و دبیرستان به دلیل حواس‌پرتی دانش‌آموزان و تأثیر منفی بر نتایج امتحانات، استفاده از گوشی‌های هوشمند در مدارس ابتدایی نیز ممنوع شده است. در یونان هم دانش‌آموزان اجازه دارند تلفن‌های خود را به مدرسه ببرند، اما نمی‌توانند آن را از کیف خود بیرون بیاورند. همچنین در ایرلند، بحثی در مورد ممنوعیت کامل استفاده از گوشی‌های هوشمند توسط دانش‌آموزان زیر ۱۶ سال وجود دارد. به‌تازگی برزیل پلتفرم رسانه اجتماعی ایکس را به دلیل عدم رعایت قوانین ضداطلاعات نادرست در این کشور به طور موقت ممنوع کرده بود.

همچنین در چین که به قوانین سخت‌گیرانه رسانه‌های اجتماعی خود شناخته می‌شود، بسیاری از پلتفرم‌های بین‌المللی مانند فیس‌بوک، ایکس و یوتیوب غیرقانونی تلقی می‌شوند و به‌جای آن از جایگزین‌های داخلی استفاده می‌شود. در سال ۲۰۲۰ نیز هند برنامه‌هایی مانند TikTok و WeChat را به دلیل نگرانی‌های امنیت ملی و حفظ حریم خصوصی ممنوع کرد. کشورهایی مانند انگلیس، فرانسه، بلژیک و همچنین سایر کشورهای اروپایی نیز ممنوعیت‌هایی را روی TikTok و پلتفرم‌های مشابه اعمال کرده‌اند. در همین حال در امارات متحده عربی، پلتفرم‌هایی مانند WhatsApp، Skype و Facetime تا حدی محدود شده‌اند. در مصر، کاربران رسانه‌های اجتماعی با بیش از پنج هزار دنبال‌کننده، ملزم به ثبت‌نام در تنظیم‌کننده رسانه و پیروی از قوانین رسانه مرتبط با این کشور هستند. کارشناسان در ایالات متحده سال گذشته هشداری درباره خطرات رسانه‌های اجتماعی برای کودکان منتشر کردند. آنها اظهار کردند تحقیقات بیشتری برای درک تأثیرات منفی شبکه‌های اجتماعی بر نوجوانان مورد نیاز است اما درحال‌حاضر می‌توان گفت که رسانه‌های اجتماعی، خطری برای سلامت روان و رفاه کودکان محسوب می‌شود.

گزارش «شرق» از آسیب‌شناسی مدارسی که سواد مواجهه با کودکان آسیب‌دیده و کودکان مراکز شبه‌خانواده را ندارند

چالش فضای امن مدرسه برای کودکان

نسترن فرخه

بیشتر افرادی که سال‌هایی از کودکی خود را در مراکز شبه‌خانواده زندگی کرده‌اند، خاطرات تلخی از روزهای محصلی خود در مدرسه دارند. مدیر یکی از مراکز شبه‌خانواده که چندسالی با دختر و پسرهای زیر سن قانونی کار کرده و تمایلی به ذکر نام خود ندارد، اشاره می‌کند: همین سال قبل سر صف مدرسه، مدیر در بلندگو بچه‌های مرکز ما را «بچه‌های خیریه» خطاب می‌کرد یا حتی کوچک‌ترین اشتباهی را که می‌کنند، مسئولان مدرسه آن‌قدر بزرگ جلوه می‌دهند که کاملا بیشتر از حد واقعی آن است. گاهی از ثبت‌نام آنها در مدارس هم سر باز می‌زنند و آنها را جدا از بقیه دانش‌آموزان در نظر می‌گیرند که گاهی با حس تحقیر برای آنها همراه است. برای همین کودکان ما اصلا دوست ندارند کسی متوجه شود آنها بچه بهزیستی هستند و متأسفانه این روند هنوز هم در بسیاری از مدارس ادامه دارد.

مدرسه بابت آنکه بچه بهزیستی بودیم ما را خیلی اذیت کرد

وقتی شروع به گفتن می‌کند، خاطراتش انتهایی ندارد. تجربه زندگی در مراکز شبه‌خانواده برای او مملو از حرف‌های نگفته است. از ترس فاش‌شدن هویت در کلاس درس تا ترس پیداکردن آدرس مرکزی که در آن زندگی می‌کرده، آن‌هم از طرف هم‌کلاسی‌هایش. اما حالا راحت از آن ترس‌ها حرف می‌زند. پسر جوانی که از سختی‌ها گذشته و همراه و همدل دیگر جوان‌هایی است که گذشته‌های سخت مانند خودش را پشت سر گذاشتند. از خاطرات مدرسه و بدرفتاری‌های مسئولان مدرسه می‌گوید که بعد از چند سال یادآوری آن هنوز جانش را می‌سوزاند: «بعضی از خاطرات را هرگز نمی‌توان فراموش کرد. ما چند نفری بودیم که از مرکز شبه‌خانواده به مدرسه می‌رفتیم و همیشه حواس‌مان بود تا کسی متوجه نشود که ما همه از مرکز می‌آییم، اما مسئولان مدرسه بدون هیچ درکی بابت این موضوع ما را اذیت کردند. مثلا در صف یا پشت میکروفن مدرسه می‌گفتند بچه‌های بهزیستی به مددکارتان بگویید فلان روز برای جلسه بیاید یا پول فلان چیز را پرداخت کند. یک چیز دیگر که همیشه برای من پر از استرس بود، سؤال‌های روز اول مدرسه بود که معلم از همه می‌خواست درباره شغل پدرشان توضیح دهند. همیشه این موضوع برای ما سخت بود، چون خیلی از ما نمی‌دانستیم اصلا پدر داریم یا نه، پدرمان کجاست و برای همین نمی‌دانستیم چه پاسخی باید بدهیم. در پاسخ به چنین سؤالاتی ما مجبور بودیم سر کلاس به معلم دروغ بگوییم».

زندگی بیشتر کودکان مراکز شبه‌خانواده با ترس از فاش‌شدن هویت همراه است؛ شرایطی که هیچ سهمی در آن نداشتند و رفتار غیرتخصصی مدارس گاه این رنج را برای آنها بیشتر می‌کند. مانند این پسر جوان که از نگرانی‌هایش حتی بعد از زنگ آخر مدرسه می‌گوید: رفتار مدیران مدرسه گاهی باعث می‌شد تا بقیه بچه‌ها شک کنند ما بچه بهزیستی هستیم و برای همین زنگ آخر به دنبال ما می‌آمدند تا مطمئن شوند به بهزیستی می‌رویم یا نه. خیلی وقت‌ها مجبور بودیم ساعت‌ها در کوچه و خیابان محل راه برویم تا نتوانند محل زندگی ما را پیدا کنند. جالب اینکه بابت همین تأخیرها که دیرتر به مرکز می‌رفتیم هم شکل دیگری تنبیه می‌شدیم که یادآوری همه آنها واقعا دردناک است.

یا ثبت‌نام نمی‌کنند و طرد می‌کنند یا ترحم و محبت اضافی می‌کنند

مددکارهای بسیاری معمولا از نوع مواجهه مسئولان مدارس با کودکان آسیب‌دیده و در معرض آسیب گله دارند. از موانع برای ثبت‌نام تا رفتارهایی که تفکیک و جداسازی بین دانش‌آموزان در آن به حدی است که گاهی منجر به ترک تحصیل خودخواسته کودکان می‌شود. یکی از موارد آن، نحوه برخورد سیستم آموزشی و مدارس با کودکان مراکز شبه‌خانواده است. «سونیا مرزآرا»، مدیر فنی مرکز نگهداری، نیز به همین مسائل اشاره می‌کند و در بخشی از گفت‌وگو با «شرق» اضافه می‌کند: «همان اندازه که شرایط خوب آموزشی این کودکان برای ما و بهزیستی مهم است، باید برای آموزش‌وپرورش هم مهم باشد. اما آنچه ما شاهد هستیم، چنین موضوعی کاملا به رویکرد مدیر مدرسه بستگی دارد. اگر مدیران مدارس دید مثبتی به مراکز شبه‌خانواده داشته باشند، با ما همکاری می‌کنند. به‌راحتی کودک را ثبت‌نام می‌کنند و ما دیگر با چالش‌هایی مثل الزام به ارائه پرونده کودک یا مسائل مربوط به شناسنامه را نداریم. اما در مواردی که مدیر نخواهد همکاری کند، حتی اگر ما از آموزش‌وپرورش نامه هم به مدرسه ببریم، ما را قبول نمی‌کنند. در این سال‌ها بارها از چنین مدیرانی شنیدم که اگر وزیر و رئیس‌جمهور هم نامه بیاورند باز ما کودک شما را ثبت‌نام نمی‌کنیم. ما به قانون محکمی نیاز داریم تا پشت ما باشد که وقتی به مدارس مراجعه می‌کنیم، محکم بایستیم و بگوییم این پرونده کودکان مراکز شبه‌خانواده است و شما موظف هستید آنها را ثبت‌نام کنید که از همین طریق بتوان کودک را بدون مسئله و اینکه از مدرسه عقب بماند، ثبت‌نام کرد».

این مسائل گاهی حتی بعد از ثبت‌نام و حین سال تحصیلی هم ادامه دارد که این مسئول فنی به آن اشاره می‌کند: «خیلی وقت‌ها کاری که بچه‌های ما در مدرسه انجام می‌دهند، خیلی بزرگ‌تر از واقعیت نشان داده می‌شود. به همین اندازه برخوردی هم که با آنها می‌شود، بزرگ‌تر از حد انتظار است. ما مسائل به‌مراتب حادتری را گاهی بین دانش‌آموزان دیگر می‌بینیم، اما برخوردی که با ما در مقایسه با والدین دیگران می‌کنند، متفاوت‌تر است و این برای ما بسیار ناراحت‌کننده است. اما به طور کلی ما با دو رفتار نادرست مواجه هستیم: یا رفتار ترحمی یا تبعیض‌هایی از جنس نخواسته‌شدن که کودکان ما در مدرسه دریافت می‌کنند.

همین که بچه‌های ما را معمولا در مدارس، سخت ثبت‌نام می‌کنند و یکی از دغدغه‌های مدیران همین است که اگر والدین دانش‌آموزان متوجه این موضوع شوند، نوعی از همین تبعیض است که از عکس‌العمل والدین ترس دارند. از طرف دیگر هم رفتارهایی کاملا در طرف دیگر این طیف وجود دارد که آن‌هم به اندازه خود آسیب‌زاست. رفتارهای ترحم‌برانگیز مثل دادن هدایای مختلف و بدون حساب‌وکتاب به کودکان ما که عزت نفس کودک را زیر سؤال می‌برد. هدایایی که دقیقا همان وسیله را دختران ما دارند یا دادن خوراکی به آنها. از آن بدتر درباره مسائل درسی است که گاهی به دلیل همین ترحم، آن سخت‌گیری را که باید با همه داشته باشند با بچه‌های ما ندارند. این موضوع تبعات بسیار بدی برای بچه‌ها خواهد داشت. هرچند خیلی از مواقع مسئولان مدرسه با ما همدلانه برخورد می‌کنند، اما اگر حمایت قانونی محکمی داشته باشیم، اصلا برخی از این مسائل که مطرح شد، پیش نخواهد آمد و کارها ساده‌تر به سرانجام می‌رسد. خیلی ساده، درباره رفتار ترحمی باید زمینه برابری بین بچه‌ها وجود داشته باشد تا کودکان ما هم با واقعیت جامعه روبه‌رو شوند؛ چون همین رفتارهای ناسالم با آنها خیلی وقت‌ها توقع آنها را بالا می‌برد، درصورتی‌که واقعیت جامعه چنین رفتاری با آنها نخواهد داشت و همین جلوی آمادگی آنها برای ورود به جامعه را می‌گیرد. در برخورد با اشتباهات‌شان آسان‌گیری‌هایی می‌شود که تصور می‌کنند پس اگر در جامعه هم مرتکب خطاهای کوچک و بزرگ شوم، با من به‌آسانی رفتار می‌شود، درصورتی‌که این‌طور نیست. مثلا در کارنامه کودک ما همه درس‌ها را خیلی خوب دریافت کرده ولی وقتی بررسی می‌کنیم، می‌بینیم اصلا در حد خیلی خوب نبوده. از معلم که پیگیری می‌کنیم، متوجه می‌شویم به دلیل رفتار ترحمی که داشته همه نمرات این بچه را خیلی خوب داده است. هرچند با همکاری اولیا و وجود برخی تیم‌های مدارس این موارد می‌تواند به‌مرور کم‌رنگ‌تر شود».

سیستم آموزشی که آموزش ندیده است

وجود چنین تمایزهایی بین کودکان، به‌ویژه در فضای مدرسه با تبعات بسیاری همراه خواهد بود. «ایوب اسلامیان»، پژوهشگر حوزه مددکاری، هم در گفت‌وگو با «شرق» دقیقا به همین موضوع اشاره می‌کند: «به نظر می‌رسد مدارس این کودکان را از جنس دیگری می‌بینند که متأسفانه این تمایز اصلا مثبت نیست؛ چون از یک نگاه پایین و انگ‌زننده ناشی می‌شود. درواقع این کودکان قربانی‌هایی خواهند شد که در صورت وقوع هر اتفاق ناگوار در فضای مدرسه اول از همه و بدون بررسی‌های اولیه انگشت اتهام به سمت آنها خواهد رفت. به نظر می‌آید به دلیل آن نگاه منفی و انگاره‌های نادرست که به صورت تاریخی در ذهن ما ایجاد شده، این بچه‌ها از خانواده‌های خاص بیرون آمده‌اند. مدارس هم با همین انباشت کلیشه‌ها درباره کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست سروکار دارند که مثلا بچه‌های بهزیستی شرور هستند و کودکان دیگر را باید از آنها مصون نگه داشت. درصورتی‌که هیچ‌کدام مبنایی ندارد و اساسا چنین تفکیکی غلط است».

با وجود این شکل دیگری از این تفکیک رفتارها، اعمال ترحمی و محبت‌های بدون مدیریت در سیستم آموزشی و مدارس است که اسلامیان به آن هم اشاره می‌کند: نوع دیگری از رفتار هم وجود دارد که به آن حمایت ناسالم می‌گوییم. به طور مثال من از روی ترحم و دل‌سوزی قصد دارم کمکی به این کودکان بکنم. درحالی‌که اصلا کمک نیست و اتفاقا مصداق حمایت ناسالم است. مثلا هنگام نمره‌دادن معلم به دانش‌آموزان این موضوع دیده می‌شود. درحالی‌که یکی از اهداف امتحان و نمره‌دادن به دانش‌آموز برای مسئولیت‌پذیرکردن کودک است. وقتی همین‌طور معلم به کودک نمره می‌دهد، نشان هیچ حمایتی در آن دیده نمی‌شود؛ چون احتمالا کودک در مقاطع بالاتر به دلیل نداشتن سواد کافی با مشکل مواجه می‌شود.

این نگاه‌های دو سمت طیف، همه‌جا وجود دارد. مثلا برخی می‌گویند کودکان کار مجرم و بزه‌کار هستند و عده‌ای دیگر کاملا با این کودکان ترحمی برخورد می‌کنند که در هیچ‌کدام حد تعادلی وجود ندارد. بنابراین مدارس باید در حوزه کودک نگاه واقع‌بینانه داشته باشند. باید بپذیریم که بدسرپرست یا بی‌سرپرست‌بودن بچه به‌تنهایی مسئله نیست. حال اگر این کودک مثلا در فضای مدرسه پرخاش می‌کرد یا افسرده بود، حالا مسئله می‌شود و باید به آن بپردازیم. وقتی بچه درسش را می‌خواند و در مقایسه با دانش‌آموزان دیگر چالش خاصی نداشته باشد، چرا باید باز او را منفک کرد و بگوییم این کودک آسیب است و به او برچسب و لیبل بزنیم؟

همچنین این پژوهشگر به موضوع دیگری اشاره می‌کند که در تربیت کودکان نقش پررنگی دارد. ایشان درباره قوه تعقل و تأثیر رفتار مسئولان مدارس با کودکان شبه‌خانواده روی دیگر کودکان اضافه می‌کند: «رفتار مدارس با کودکان مراکز شبه‌خانواده در شکل‌گیری نگاه دیگر دانش‌آموزان بسیار اهمیت دارد. مثلا همین مورد که گاهی در مدرسه صف آنها را جدا می‌کنند و تفکیک‌های مختلفی که صورت می‌گیرد، این نشانه را در کودکان دیگر ایجاد می‌کند که منجر به شکل‌گیری رفتارهای نادرست بین آنها می‌شود. بنابراین مدارس دید درستی به کودکان ندارند و ناآگاهی آنها عواقب به همراه دارد. مثلا شناخت کافی از کودک کار ندارند و اطلاعات اشتباه به دانش‌آموزان داده می‌شود. باید درباره مسائل اجتماعی و پدیده‌های مختلف آگاهی مسئولان مدارس بالا برود. در طرح نظام مراقبت دانش‌آموزی هم بحث بیشتر بر سر افسردگی و استرس کودکان است. درواقع خیلی به این گروه از کودکان پرداخته نشده است و بعد اجتماعی آن هنوز ضعیف است و هیچ‌گونه آگاهی به مدارس و آموزش‌وپرورش نداده‌ایم. درحالی‌که معلم باید رفتار درستی با کودک طلاق، کودکی که مثلا دارای والدین بیمار است یا یکی از والدینش را از دست داده، داشته باشد. به طور مثال بداند چون دانش‌آموزش پدر از دست داده، پس سر کلاس نباید بحثی مطرح کنم که باعث رنجش آن کودک شوم. ما باید به فردیت تمام کودکان احترام بگذاریم».

یادداشت

هزارتوی پیشرفت شغلی زنان یا مسیرهای میان‌بر؟

مائده راهب

مدرس دانشگاه و مشاور کسب‌وکار

به واسطه شغلم، بارها و بارها شنونده چنین روایت‌هایی بودم و هربار متأثرتر از قبل شدم.

گویی کارکردن در بدنه اجتماع برای بسیاری از زنان، مفهوم دیگری دارد.

این بار شنونده روایت زنی بودم که سال‌ها با دانش و آگاهی، به جایگاه اجتماعی مقبولی رسیده است و اکنون آماده پیشرفتی بیش‌ازپیش است، ولی سر بزنگاه، چالش همیشگی دست به گریبانش شد. «ن.ر چنین روایت می‌کند که برنامه کاری جدید را به کارفرما تحویل داده و با جزئیات درباره مسیر کاری، صحبت می‌کردم. در انتها، کارفرما از من دو سؤال پرسید.

هزینه تخمینی پروژه و اینکه تمایل دارم که مدیریت این خط تولید جدید با خودم باشد یا خیر؟ حدود هزینه را عنوان کرده و طبعا اعلام کردم که به‌شدت تمایل دارم خودم مدیریت این بخش را برعهده بگیرم. کارفرما لبخندی بر لب آورد و گفت چشم. فقط شرطی دارد و آن این است که برای من زمان بگذاری. امشب شرایطش را داری به رستورانی برویم؟...».

همان روایت همیشگی. پیشنهاد معاشرت خارج از چارچوب کاری با کارفرما و در ازای آن، به‌دست‌آوردن حقوق بیشتر و مزایای بالاتر، به عبارتی پیشرفت شغلی.

اینجاست که به‌جرئت می‌توانم بگویم مسیر پیشرفت شغلی برای بسیاری از زنان به شیوه‌ای که مردان در اجتماع تصور کرده و البته تجربه می‌کنند، نیست؛ چراکه در این شرایط در صورت پذیرفتن پیشنهاد کارفرما، پیشرفت فرد بسیار سریع‌تر از چیزی خواهد بود که دیگران تجربه می‌کنند و در صورت نپذیرفتن (به‌ویژه زمانی که کارفرما از اندکی خودشیفتگی لذت می‌برد!)، احتمال اینکه موقعیت شغلی سابق را نیز از دست بدهد، زیاد است.

و پس از چنین تجربه‌هایی، آنچه در وجود فرد باقی خواهد ماند، نبود اعتمادبه‌نفس و حس ناکافی‌بودن است؛ چراکه با توانایی و دستاوردهایش سنجیده نمی‌شود.

می‌نویسم به این امید که مسیر شغلی، به شیوه‌ای متناسب با مردان، برای بانوان سرزمینم تعریف شود.

جدول ۴۹۱۱ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- از مقاطع تحصیلی- انتخاب‌کردن ۲- فاسد- بازی قهوه‌خانه‌ای قدیم- قادر ۳- ساعت مشهور لندن- اکثر- اندک ۴- دستگاه ردگیری در هواپیما- موسیقی برای هماهنگی در حرکت دسته‌های نظامی- عقاب سیاه ۵- ترش و شیرین- از رشته‌های ورزشی آبی- پایان و آخر ۶- دستیار متخصص- جمع شیخ- حس بویایی ۷- نژاد، تبار- میل به غذا- بدون تردید و قطعا ۸- پیامبری از بنی اسرائیل- زنجیره‌ای از صداهای جداگانه و پیاپی موسیقی- بردبار ۹- فیلمی ساخته بهرام بیضایی با بازی مژده شمسایی- زهرخورده- چارچوب عکس ۱۰- آغوش- سمت راست- از القاب حضرت فاطمه(س) ۱۱- آهو- تباشیر فرنگی- ضمیر اول شخص مفرد ۱۲- به رخ کشیدن نیکویی- خواننده اشعار مذهبی- از نژادهای سگ ۱۳- بلندقامت- درختی با برگ‌های پنجه‌ای- وسیله نقلیه قدیمی ۱۴- شرور- چند وکیل- کوه آتشفشانی ایتالیا ۱۵- مبحثی در ریاضیات- متفرق‌کردن

عمودی:

۱- کتاب‌های عربی- خوش‌ترکیب- خوردنی شیرین صبحانه ۲- کنایه از بی‌جابودن توقع کمک و فایده از کسی است ۳- غذایی از گوشت ران گوساله- نوعی چرم نرم- برچسب ۴- رئیس ده فراش قاجار- بشارت‌دهنده- سگ انگلیسی ۵- موسیقی‌دان عصر ساسانی- کبوتر دشتی- تکرار حرفی ۶- روی خط حامل است- نوعی چسب نجاری- شب خاطره‌انگیز پاییز ۷- چین‌وچروک پوست- بزرگ منش- غروب‌کردن ۸- ملودی- خواهش نفسانی- تحریک‌کننده ۹- فوق- خوشحال- رشته کوهی در مرکز اروپا ۱۰- در بیان علت به کار می‌رود- روزانه- مخفف اگر ۱۱- گنده- سمیع- اضافه ۱۲- زن و شوهر- اسم شاعر در آخر غزل- شتر نیرومند ۱۳- دومین دورقمی- پاینده- به قتل رساندن ۱۴- مجموعه شعری سروده علی باباچاهی ۱۵- بهره‌مند و کامیاب- رئوف- کلمه هشدار

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱								■							
۲					■					■					
۳						■					■				
۴	■						■					■			
۵			■						■						■
۶								■					■		
۷				■						■					
۸					■						■				
۹						■						■			
۱۰			■					■							
۱۱	■						■						■		
۱۲				■					■						■
۱۳					■					■					
۱۴						■					■				
۱۵								■							

حل سودوکو ۳۹۰۶

۸	۹	۷	۴	۵	۳	۶	۲	۱
۶	۵	۳	۷	۲	۱	۹	۸	۴
۴	۲	۱	۶	۹	۸	۵	۷	۳
۳	۴	۹	۲	۸	۵	۱	۶	۷
۵	۱	۲	۳	۶	۷	۴	۹	۸
۷	۶	۸	۹	۱	۴	۳	۵	۲
۹	۸	۵	۱	۴	۲	۷	۳	۶
۱	۳	۶	۸	۷	۹	۲	۴	۵
۲	۷	۴	۵	۳	۶	۸	۱	۹

۵	۷	۴	۹	۶	۳	۸	۲	۱
۸	۹	۳	۱	۲	۴	۶	۵	۷
۶	۱	۲	۵	۷	۸	۳	۹	۴
۳	۵	۸	۲	۴	۱	۹	۷	۶
۴	۶	۱	۳	۹	۷	۲	۸	۵
۷	۲	۹	۶	۸	۵	۴	۱	۳
۲	۳	۶	۷	۱	۹	۵	۴	۸
۹	۴	۷	۸	۵	۶	۱	۳	۲
۱	۸	۵	۴	۳	۲	۷	۶	۹

حل جدول ۴۹۱۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	پ	س	ر	■	م	ت	ر	ج	م	■	ت	غ	ا	ب	ن
۲	ت	ا	س	م	ا	ه	ی	■	ا	ت	م	ی	■	ن	خ
۳	ک	ل	■	خ	ن	د	ه	د	ر	ت	ا	ر	ی	ک	ی
۴	■	م	ا	ل	ک	ی	■	ش	ک	ا	ر	■	ب	د	ل
۵	ا	س	ت	و	ن	■	ت	ا	ی	ر	■	ب	و	ا	■
۶	س	ا	ق	ط	■	ب	ا	ر	ز	■	ن	ا	س	ر	ه
۷	ا	ز	ا	■	م	ا	ن	ژ	■	ر	و	ی	ت	■	ر
۸	ط	ی	■	د	ی	ر	ک	■	و	ج	و	د	■	ک	ا
۹	ی	■	د	ا	ن	ش	■	س	ا	ی	ل	■	ن	ر	س
۱۰	ر	و	ا	ر	و	■	د	ی	ل	م	■	ش	ی	م	ا
۱۱	■	ا	ر	و	■	ع	ر	ف	ا	■	ک	ر	م	ا	ن
۱۲	ک	ن	س	■	م	ی	گ	و	■	پ	ا	ی	ا	ن	■
۱۳	ا	م	ی	ر	ح	س	ی	ن	ز	ا	ر	ع	■	ش	ب
۱۴	ش	و	■	و	ا	ی	ر	■	ن	ر	م	ث	ن	ا	ن
۱۵	ف	د	ر	ا	ل	■	ی	ا	خ	ت	ن	■	م	ه	د

سودوکو سخت ۳۹۰۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۵				۴	۶		
			۵				۹	
		۹	۶	۲				۵
۹	۶	۷					۴	
		۴	۱		۹	۲		
	۲					۷	۸	۹
۴				۶	۱	۹		
	۳				۵			
		۲	۳				۷	

سودوکو ساده ۳۹۰۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۳	۲			۵		۶	
۱	۷			۹				۸
۵		۹	۸	۶			۷	۲
								۶
	۸		۶	۱	۷		۹	
۴								
۳	۲			۵	۱	۶		۹
۶				۸			۱	۷
	۹		۲			۸	۳	